

۲۲ کشته

با چراغ زنون

محکمه

مجازات مرگ

برای ۲ زورگیر پل صدر



دو متهم اصلی پرونده زورگیری زیر پل صدر پس از محاکمه در دادگاه انقلاب تهران به اتهام محاربه و سرقت به اعدام و زندان محکوم شدند.

سومین عضو این باند هم به ۲۵ سال زندان محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح پنجشنبه، ۲۱ فروردین امسال ویدئویی در شبکه‌های مجازی جنجالی شده که در آن سه سارق در اتوبان صدر با سلاح سرد از راننده خودروی ال ۹۰ زورگیری کرده و با بلند شدن صدای شلیک گلوله از محل فرار کردند. در ابتدا تصور می‌شد دزدان شلیک کرده‌اند که بررسی‌ها نشان داد، یکی از مأموران نظامی حاضر در محل سرقت برای جلوگیری از فرار سارقان اقدام به تیراندازی کرده بود. انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی باعث شد دادستان تهران برای دستگیری سارقان دستور ویژه صادر کند. مأموران در نخستین گام به تحقیق از مالباخته پرداختند که او در تشریح ماجرا گفت: روز حادثه در حال رفتن به محل کار بودم. حدود ساعت ۸ صبح در ترافیک صبحگاهی اتوبان صدر، گویی آیفون ۱۳ پرومکس در دستم بود که ناگهان در راننده و شاگرد باز شد و دو سارق با قمه به من هجوم آورده و با دسته قمه کتکم زدند. آنها با گرفتن گوشی، فرار کردند.

تحقیقات پلیسی در این باره ادامه داشت تا این‌که هویت دزدان شناسایی و در یکی از شهرهای شمالی کشور دستگیر شدند. سه متهم سپس به محل سرقت منتقل شدند و صحنه دزدی را بازسازی کردند.

یکی از متهمان در جریان بازسازی صحنه سرقت گفت: همه ما بچه‌محل هستیم پدرام با حرف‌هایش در مورد درآمد بالای سرقت، وسوسه‌مان کرد. در ساعاتی برای سرقت می‌رفتیم که ترافیک باشد. با دیدن گوشی آیفون رانندگان سراغ‌شان می‌رفتیم. اگر در قفل نبود سرقت را انجام می‌دادیم اما اگر به در بسته می‌خوردیم، بی خیال سرقت می‌شدیم. در آخرین سرقت وقتی فهمیدیم فیلم سرقت منتشر شده، به شمال کشور فرار کردیم. پس از تکمیل تحقیقات در دادسرا، برای سارقان به اتهام محاربه کفرخواست صادر شد. پرونده متهمان این پرونده نیز به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران ارسال و مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از برگزاری دادگاه با حضور متهمان و وکلای آنها، حکم متهمان صادر شد.

براساس حکم دادگاه، دو نفر از متهمان این پرونده به اتهام محاربه از طریق سلاح سرد به‌منظور سرقت مال مردم و ایجاد ناامنی در جامعه به اعدام محکوم شدند. متهم ردیف سوم این پرونده به اتهام معاونت در محاربه به تحمل ۲۵ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت محکوم شد. دادگاه هر سه متهم پرونده را به اتهام مشارکت در سرقت با سلاح با توجه به شیوه ارتکاب جرم و دارا بودن سابقه کفری به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری و رد مال مسروقه در حق شکات محکوم کرد. همچنین دادگاه متهم ردیف اول پرونده را به پرداخت دیه در حق یکی از شکات محکوم کرد. گفتنی است این حکم قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است و در صورت فرجام‌خواهی پرونده برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد.

قتل و قصاص

بر سر سوار کردن مسافر

بیک موتوری که در جریان دعوا بر سر سوار کردن مسافر مرتکب قتل موتورسوار دیگری شده بود، پس از محاکمه در دادگاه کفری به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از دی‌ماه ۱۴۰۲ و با گزارش‌ دیگری خونین دو موتورسوار در شرق تهران آغاز شد. در این درگیری مردی ۲۰ساله به نام سعیداز ناحیه‌سینه چاقو خورده بود که ساعتی بعد از انتقال به بیمارستان جان باخت. جست‌وجوها برای دستگیری موتورسوار فراری آغاز و هویتش به نام جاوید شناسایی شد. پس از یک هفته ردیابی جاوید بازداشت شد و به درگیری خونین اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات پرونده به دادگاه کفری یک استان تهران ارسال شد و اولیای دم در جلسه رسیدگی درخواست قصاص جاوید را مطرح کردند. سپس متهم به قتل در جایگاه قرار گرفت و گفت: بیک موتوری بودم و متخار زندگی‌ام را با این کار تأمین می‌کردم. روز حادثه در خیابان منتظر مسافر بودم. سعید به من اعتراض کرد که آنجا پاتوق اوست و حق سوار کردن مسافر ندارم. سعی کردم او را آرام کنم و حتی گفتیم منتظر می‌مانم تا او سوار کنی بعد مسافر می‌گیرم اما او حرف خودش را می‌زد. سر این موضوع با هم درگیر شدیم و به سمت حمله کرد. نزسیدم و چاقویی که در جیب داشتم را بیرون آوردم تا بترسد اما نمی‌دانم چطور به سینه‌اش اصابت کرد. بعد از قتل فرار کردم و یک هفته در خیابان آواره بودم تا این‌که پلیس ردم رازد و بازداشت شدم. من مقتول را نمی‌شناختم و با او خصومتی نداشتم، او بی دلیل دعوا را انداخت و سعی کردم آرامش کنم اما به قتل ختم شد. متهم در آخرین دفاعش از اولیای دم خواست او را ببخشند. پس از آخرین دفاع متهم، قضات وارد شور شده و حکم به قصاص جاوید دادند.

زوج جوان به سبب کوری لحظه‌ای ناشی از نور چراغ‌های زنون، دچار حادثه‌شده و فوت کردند.

سرهنگ علی رضایی، رئیس پلیس راه شمال استان کرمان در این باره به سایت پلیس گفت: راننده خودروی سواری که چراغ‌های زنون نصب کرده بود در جاده کرمان باعث کوری لحظه‌ای راننده خودروی مقابل و انحراف آن شد. دو نفر از سرشنینان خودرو که راننده و همسرش بودند، فوت شدند و فرزند سه‌ساله‌شان زنده ماند. تحقیقات از این راننده متخلف ادامه دارد.



۱۱ زخمی در حمله

سگ نگهبان

سگ نگهبان یک پروژه ساختمانی در بلوار شاهد مشهد، با حمله به ۱۱شهروند آنها را مصدوم کرد. دکتر محمد سیاح، رئیس شبکه دامپزشکی شهرستان مشهد استان خراسان‌رضوی در این باره به ایرنا گفت: سگ نگهبان پروژه ساختمانی پس از خروج از محل، ابتدا وارد کارواش خودرو شد و کارگر آنجا را مصدوم کرد. سگ مهاجم بعد از فرار از کارواش، به ۱۰نفر در خیابان حمله کرد وگوش یکی از آنها را گاز گرفته، زخمی کرده بود. این سگ که احتمالی می‌رفت، مبتلا به هاری بوده، توسط مردم منطقه کشته شد.



۱۳ روز از ناپدید شدن پسر ۳/۵ ساله تهرانی گذشت

همچنان به دنبال آرین

یک دقیقه‌ای که از خود منتشر کرده است، می‌گوید با گذشت بیش از ۱۰ روز از مفقود شدن پسرش، پلیس هنوز هیچ سرنخی از او پیدا نکرده است. او ملتسمسانه و با چشمانی نگران از مردم می‌خواهد به حرمت شب‌های محرم، هر کمکی از دست‌شان برمی‌آید انجام دهند تا پسرک‌چولوش دوباره به آغوش خانواده برگردد. به جز آرین کوچولو، کودکان دیگری نیز هستند که پرونده مفقودی‌شان هنوز باز است و پدر و مادرشان چشم به راه بازگشت آنها به خانه هستند.

رسانده و همراه با پدر و سایر اعضای خانواده تا ساعت ۴ بامداد روز بعد، وجب به وجب پارک را گشتند اما هیچ اثری از آرین نبود. موضوع را به پلیس آگاهی تهران اطلاع دادند و ماموران در اولین قدم فیلم‌های دوربین مداربسته را بررسی کردند. در یکی از این فیلم‌ها که در میانه روز ضبط شده است، آرین کوچولو را نشان می‌دهد که با شلوارک و پیراهنی قرمزرنگ در میان جمعیت حاضر در پارک سرگردان است و با قدم‌هایی سست و سردرگم به کودکان و پدر و مادرائی نگاه می‌کندکه اطرافش حضور دارند. پس از دقایقی سرگردانی، آرین کوچولو در میان جمعیت ناپدید می‌شود و از آن روز به بعد، یک آب خوش از کلوی پدر و مادر آرین پایین نرفته است. پدر در فیلم

۳ سال از ربودن ماهر گذشت

۱۸ آذرماه سال ۱۴۰۰ آخرین روزی بود که مادر ماهرکچولوش را در آغوش داشت. تمام سهم مادر از زندگی ۲۰ ساله با شوهر معنادش، ماهر کوچولو و زیبا بود. روز حادثه، مادر مشغول دستفروشی و ماهر هم در آغوشش بود. دو زن جوان در حالی‌که ماسک داشتند، به مادر یک لیوان چای و شکلات دادند و مادر از همه‌جا بی‌خبر هم خورد و هوش و حواسش مختل شد.وقتی به‌هوش آمد ماهر نبود و با فریاد گفت مردم کمک کنید، بچه‌ام را درزدیند. سه سال از ربوده شدن ماهر توسط آن دوزن می‌گذرد و تحقیقات پلیس همچنان ادامه دارد.



پرونده باز ناپدید شدن آیناز

شش سال از مفقودی آیناز دختر کم‌توان ذهنی همدانی می‌گذرد. آیناز آن زمان هشت ساله بود و زمانی که کنار در خانه منتظر بازگشت مادرش بود، ناگهان ناپدید شد. خبر مفقودی او تا مدتی تیر تک صفحه‌های حوادث بود و شایعات زیادی هم پخش شد. برخی می‌گفتند وجود اختلافات خانوادگی باعث شده تا کسانی آیناز را برابیند اما رئیس پلیس آگاهی استان همدان تمام این شایعات را تکذیب کرد و قاطعانه اعلام کرد آیناز مفقود شده است.



۵ سال در انتظار بازگشت زهرا

زهرا حسینی زمانی‌که ناپدید شد، فقط دو سالش بود و حالا باید هفت ساله باشد. ۲۵ شهریورماه سال ۱۳۹۸ بود که زهرای کوچولو زمانی‌که در حال بازی جلوی در خانه‌شان در محله قلعه‌نو شهری بود، برای همیشه مفقود شد. آن شب خواهر بزرگ‌تر زهرالحظه‌ای به خانه رفت و زهرهار دنبال او راه افتاد اما هنوز وارد خانه نشده بود که انگار کسی صدایش زده باشد، تغییر مسیر داد و به سمت دیگری رفت. این آخرین تصویری بود که از زهرا ثبت شد و با وجود جست‌وجوهای گسترده توسط پلیس و مردم محلی، هیچ سرنخی از زهرا پیدا نشد.



نظمیه

بازداشت ۱۰۵ سارق وقاپ‌زن در پایتخت

سرقت کردند که بقیه اعضای این باند فراری و تحت تعقیب‌اند. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: تعدادی از این سارقان در قالب باند‌های معرمانه اقدام به قاپ‌زنی می‌کردند که از آنها ۳۶۰گوشی تلفن همراه کشف شد. با دستگیری این باند‌ها علاوه بر کشف و تحویل اموال مسروقه به مردم کاهش وقوع جرم را هم به همراه داشت.

دستگیر شدند که اکثر آنها سابقه‌دار بودند. ۳۳ نفر از این افراد دستگیر شده سارق خانه‌ها بودند که به صورت باندی اقدام به سرقت می‌کردند. وی افزود: حتی در جریان دستگیری یکی از سارقان خانه اعتراف کرده بود اوایل اردیبهشت امسال که به خانه زن و شوهری دستبرد زدند که ۱۰ روز از زندگی مشترک‌شان می‌گذشته و طلا و دلار به ارزش سه میلیارد تومان

۱۰۵ سارق خانه و اماکن. قاپ‌زن گوشی و زورگیر در پایتخت در عملیات‌های جداگانه‌ای بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار جام جم، سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در اجرای طرح دستگیری سارقان خانه و اماکن که دیروز در پلیس آگاهی برگزار شد، گفت: در این طرح ۱۰۵ سارق و مالغز شناسایی و



تغییر شماره سربال گوشی‌های دزدی

سه مرد جوان که با هم دوست هستند و به‌وسیله زنجیر به هم وصل شده‌اند، اتهام‌شان تغییر دادن شماره سربال تلفن‌های همراه سرقتی است. بهرام یکی از این متهمان که خودش تعمیرکار تلفن همراه است، در این باره می‌گوید: سابقه‌ای ندارم، شش ماه قبل بود مردی به عنوان مشتری نزد آمد و خواست که سربال گوشی‌هایش را تغییر دهم و بابت آن پول خوبی پرداخت. او خریدار گوشی‌های دزدی بود. می‌گفت سارقان مختلف تهران برایش این گوشی‌ها را می‌آوردند اما با تغییر سربال می‌تواند آن را دوباره به قیمت بالاتر بفروشد. من هم وسوسه شدم و با دو نفر از دوستانم تصمیم گرفتیم که با او همکاری داشته باشیم. وی افزود، یک دستگاهی که ما را رایانه وصل می‌کردیم و با آن شماره سربال‌های گوشی‌های سرقتی که آن مرد برپایان می‌آورد را در تعمیرگاه موبایلم درست می‌کردیم، چون اگر سربال‌ها تغییر می‌کرد و گوشی‌ها فروخته می‌شد دیگر پلیس رد آن را پیدا نمی‌کرد و مالخرا ن زیادی برای این کار به نزدمان می‌آمدند. برای هر تغییر سربال گوشی ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان می‌گرفتیم. یک روز یکی از مشتریان که خودش زمانی در کار تعمیر گوشی بود، متوجه ماجرا شد و موضوع را به پلیس اطلاع داد که ماموران به مغازه‌ام آمدند و با لو رفتن ماجرا دستگیر شدیم.

فرشته مرگ، سارق خانه‌ها بود

متهم پسری ۲۰ ساله است که با دو همدستش کنار هم ایستاده‌اند اما می‌گوید همدستان اصلی فرار کردند و آن دو فقط مهمان وی بودند که اشتباهی بازداشت شدند. یکی از خاکلویی‌هایش فرشته مرگ و دیگری نوشته «شروع قاعه». فرهاد در این باره می‌گوید: در شهرمان دعوای طایفه‌ای زیاد است و من هم در آن شرکت داشتم، برای این‌که دیگران از من بترسند این تنو‌ها را زدم. روزی عاشق دختری در محله‌مان شدم و به خاطر نداری‌ام نتوانستم به خواستگاری‌اش بروم. وی افزود: وقتی می‌دیدم همسن‌های خودم پولدارند، لباس مارک‌دار، خودروهای شیک سوار می‌شوند و من حتی نمی‌توانم با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کنم با دوستانم تصمیم گرفتیم به تهران بیاییم و با سرقت مسلحانه خانه‌ها پولدار شویم. وقتی چراغ خانه‌ها خاموش بود از روی دیوار وارد آنجا شده و با تخریب قفل خانه‌ها وارد شده و فقط طلا و سکه می‌بردیم. سلاح را می‌بردیم تا اگر فردی در خانه بود او را بترسانیم که اصلا نبودند و خانه‌ها خالی بود. در سرقت آخرومان طلا‌ها را سرقت کرده و آمدمیم بیرون که فرار کنیم، یکی از همسایه‌ها متوجه شده و ما را به پلیس لو داد تا ماموران رسیدند من گرفتار شدم با طلاهای سرقتی‌ام دوستانم فرار کردند. رفتند خانه‌مان را بررسی کردند که دو مهمانم هم بازداشت شدند.

سرقت به خاطر انتقام

مرد ۲۵ ساله چند سال است که طلاق گرفته و گاهی پسر ۱۲ساله‌اش را ملاقات می‌کند. به همراه سه نفر دیگر بازداشت شده و اتهام‌شان جعل عنوان پلیس و سرقت از افراد است. فرشید در این باره می‌گوید: پدرم معتاد و مجهول‌المکان است. مادر هم مرا ۱۶ماهه بودم به یوروشگاهی در تهران سپرد. در پرورشگاه بزرگ شدم. نقاشی و تعمیرات ساختمانی خانه‌ها را انجام می‌دهم. کاری که مثلا من متری ۱۵۰ هزار تومان می‌گیرم، مهاجران خارجی متری ۴۰هزار تومان با وسایل می‌گیرند و کار را مال خود می‌کنند. همین باعث شده بود که من در کارم دچار مشکلات زیادی شوم، وی افزود: یک ماه قبل به‌طور اتفاقی میدان شوش دیدم که ماموران مینی‌بوس گذاشته و در حال جمع‌آوری مهاجران غیرقانونی و انتقال‌شان به کمپ بودند همین جرقه به ذهنم خورد من هم خود را سرهنگ با سروان جابزنم. هر مهاجر خارجی را که می‌دیدم سراغش می‌رفتیم. همین که با صدای بلند با آنها حرف می‌زیدم و کارت شناسایی می‌خواستیم که بیشتر آنها نداشتند، سریع سوارشان می‌کردیم. ساعتی در مینی‌بوس گروگان ما بودند اگر پول داشتند حساب بانکی‌شان را خالی می‌کردیم بر غیر این صورت با خانواده‌هایشان تلفنی حرف زده و از آنها پول را می‌گرفتیم. ۲۰روز فعالیت ما ۲۰۰ میلیون تومان نصیب‌مان شد.

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۳ ۶۸۱۰ شماره

🔴 کوتاه از حوادث

سرقت‌های سریالی با آبیومه مسموم



مرد مسافرنما با تعارف آبیومه‌های مسموم رانندگان را بیهوش و تا یک قدمی مرگ برده، اموال‌شان را سرقت می‌کرد. وی حتی قصد اخاذی در قبال پس دادن اموال سرقتی را داشت که ناکام ماند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل اردیبهشت امسال مردی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، از سارقی شکایت کرد و گفت: آن روز مردی را به‌عنوان مسافر درستی سوار کردم تا به محله دیگری در تهران منتقل کنم. در میانه راه به‌ناچار آبیومه تعارفی‌اش را خوردم. چشمانم سیاهی رفت و بیهوش شدم. بعد از پنج ساعت در خودروی خودم به‌هوش آمدم. پول نقد، مدارک هویتی خودم، خودرو و همچنین گوشی‌ام به سرقت رفته و از مسافر حیل‌گه خبری نبود. پرونده با دستور قضایی به پایگاه یازدهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد. این در حالی بود که رانندگان دیگری نیز که به همین شیوه بیهوش و اموال‌شان به سرقت رفته بود به پلیس آگاهی آمدند و شکایت کردند. آنها ۵ تا ۱۰ ساعت بیهوش بودند. چهره‌نگاری‌ها نشان می‌داد سارق یک نفر است. در ادامه این جست‌وجوها بود که در روزهای پایانی هفته گذشته وقوع تصادف خودروی سواری در اتوبان امام علی (ع) تهران به پلیس گزارش شد. همزمان با حضور ماموران در آنجا معلوم شد که خودرو با گاردریل برخورد کرده و خسارت دیده است. راننده هم زخمی و بیهوش و به کمارفته بود که راهی بیمارستان شد. بعد از سه روز که زنده ماند و به‌هوش آمد معلوم شد بعد از خوردن آبیومه مسموم مرد مسافر به این روز افتاده و اموال، گوشی و مدارکش به سرقت رفته و چون حالش بد بوده با گاردریل برخورد کرده است. این در حالی بود که معلوم شد خانواده‌اش در این چند روز به دنبال او بودند و گم‌شدش را به کالتاری اطلاع داده‌اند تا این‌که او را در بیمارستان یافته‌اند. در ادامه این تحقیقات بود که افرادی در تماس با خانواده چند نفر از شاکیان پرونده اعلام کرده بودند که اگر ۵۰ میلیون تومان بپردازند اموال سرقتی‌شان را پس می‌دهند و شماره حساب داده بودند. ماموران مانع پرداخت این پول‌ها شدند و با بررسی شماره حساب بانکی بی بردند، صاحب آن مردی ۳۲ ساله بوده که سوابقش را بررسی کردند، بی بردند سابقه‌دار بوده و مدتی قبل آزاد شده است. تصویر او نشان می‌داد او همان سارق تحت تعقیب است. مدام مخفیگاهش را عوض می‌کرد و سرانجام دو روز پیش رد را دو خانه‌ای در جنوب شهر تهران به دست آمده و بازداشت شد. در بازرسی از آنجا، او عدد ۱۷قرص بیهوشی و تعدادی اموال سرقتی هم کشف شد.

متهم با انتقال به پایگاه یازدهم پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و در اظهاراتش گفت: چند بار به اتهام شرارت، زورگیری و سرقت مقرون به آزار زندانی بودم. آخرین بار هم بابت بیهوش کردن و سرقت از رانندگان سه سال زندان بودم. مدتی قبل آزاد شدم و دوباره همان شیوه جرائتم را تحت پوشش مسافر و تعارف آبیومه مسموم آغاز کردم. بعد از بیهوش شدن آنها پول، گوشی و مدارک‌شان را سرقت می‌کردم اما در آخرین سرقت راننده که بد حال شد با گاردریل تصادف کرد. فکر کردم مرده، اموالش را سرقت کرده و متواری شدم. بعد از آن کمی پول به افراد معتاد می‌دادم که با خانواده‌های مالباخته‌ها تماس بگیرند و در قبال پس دادن اموال از آنها اخاذی کنند و شماره حسابم را به آنها می‌دادند اما آنها پولی نمی‌دادند و می‌خواستند که حضوری مرا ببینند که مجبور شدم قید اخاذی را بزنم. گوشی‌هایشان را هم می‌فروختم. افضلی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم تحقیقات برای دستگیری همدستان احتمالی‌اش ادامه دارد.

اعتراف به کشتن ۳ عضو خانواده

مردی برای پایان دادن به اختلاف خانوادگی با خودروی داخل سد رفت و باعث مرگ سه عضو خانواده‌اش شد. سرهنگ فرامرز شاکری، رئیس پلیس آگاهی کردستان در این باره به ایرنا گفت: در پی اعلام سقوط یک دستگاه خودروی سواری در سد دارین شهرستان سروآباد، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. ماموران با اعزام به محل حادثه متوجه شدند یک دستگاه خودروی سواری که سرشنیشان آن همگی اعضای یک خانواده بودند به داخل سد دارین سقوط کرده‌است. وی افزود: در این حادثه سه نفر فوت کردند و فقط راننده خودرو از این حادثه جان سالم به‌در برد. ماموران به وقوع این حادثه مشکوک شده و به تحقیقات ادامه دادند و راننده که زنده مانده بود را بازداشت کردند. او در ادامه تحقیقات و در اظهارات خود علت و انگیزه‌اش از ارتکاب این حادثه را اختلاف خانوادگی عنوان کرده که تحقیقات از او ادامه دارد.